

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

گسترش مناسبات با کشورهای سوسیالیستی خواست مردم ایران است

از سیاست امپریالیستیها، بویژه امپریالیستهای امریکایی و آلمان غربی، بیش از بیست سال نخستین دولت سوسیالیستی آلمان را ندیده گرفت و آنرا برسمیت نشناخت، اگر توجه داشته باشیم که دولت ایران دنباله در صفحه ۲

نمایندگی دولت ایران موافقتنامه‌هایی در زمینه اقتصادی، بازرگانی و فنی با آنها رسیده و اعلامیه مشترکی، حاوی اظهار نظر در باره برخی از مهمترین مسائل بین‌المللی انتشار یافت. اگر بیاوریم که دولت ایران، به پیروی

در هفته آخر آبان رفیق زندمرن، رئیس شورای وزیران جمهوری دمکراتیک آلمان، بدعوت رسمی دولت ایران، در رأس یک هیئت نمایندگی به ایران سفر کرد. در پایان مذاکرات رسمی بین هیئت نمایندگی دولت جمهوری دمکراتیک آلمان و هیئت

اعلامیه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

ود به سی امین سالگرد جنبش ۲۱ آذر ماه آذربایجان!

موج جدید ترور و اختناق - سر آغاز «جشنهای پنجاه سالگی»

عذاب ناصر رحمانی‌نژاد را با تنقیه آب جوش بسرحد مرگ میکشاندند؛ بطوریکه مدت‌ها بحال اغما بستر می‌بوده است. اینک بدلیل این جنایات خبر میرسد که صد نفر از زندانیان آزاد شده سیاسی را بار دیگر بعنوان «مهمان» زندانی کرده اند. مأموران ساواک شبانه بخانه آنها حمله کرده و پس از بازرسی وحشیانه خانه ها و نیاقتن هیچ چیز، آنها را بازداشت میکنند و آنها میگویند که تا شش ماه یعنی تا پایان جشنهای پنجاه سالگی «مهمان» ما هستید!

مقارن همین احوال گروههای زیادی از دانشجویان دانشگاه صنعتی آریا مهر و دانشگاه تهران را نیز بهمین دلیل «قانع کننده» بازداشت می‌نمایند و ۶۸۶ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران را بپناهه مقررات جدید دانشگاهی از دانشگاه دور و سرگردان میکنند. این جنایات بشمرانه که سر آغاز جشنهای پنجاه سالگی حکومت مستبد خاندان پهلوی است در عین حال که نمایشگر ترس و وحشت حکومت فاشیستی ایران از مردم است، نشان میدهد که این حکومت دشمن قسم خورده هنر و هنرمند، دانش و دانش‌پژوهی و هر نوع آگاهی اجتماعی است. از یکسو فرح‌دینا هر ساله با بوق و کفرنا در شیراز «جشن هنر» برپا میکند و از سوی دیگر بدستور «مؤشر تاجدارش» سرشناس ترین نویسندگان و هنرمندان بیگانه بزنجر

طلایه شوم جشنهای پنجاه سالگی سلطنت خاندان پهلوی با محکوم کردن ۴ نفر از هنرمندان بیگانه در دادگاههای بیدادگر نظامی بزندانیهای سنگین بازداشت مجدد صد نفر از زندانیان سیاسی که پس از پایان دوران زندانی آزاد شده اند، توقیف شده ها نفر دانشجویان از دانشگاههای تهران و آریا مهر، پدیدار میشود. روزنامه های تهران می‌نویسند که چهار تن از نویسندگان و هنرپیشگان سرشناس: آقایان ناصر رحمانی نژاد، کارگردان و هنرپیشه، محسن یلفانی، هنرپیشه و نمایشنامه نویس، سعید سلطان پور، شاعر و کارگردان و هنرپیشه، محمود دولت آبادی، داستان نویس و هنرپیشه در دادگاههای نظامی بترتیب به ۱۱، ۲، ۴ و ۳ سال زندان محکوم شدند. این هنرمندان و نویسندگان که بلا استثناء مورد شکنجه های ددمنشانه ساواک قرار گرفته اند، گناهشان این بوده که میخواستند اند یک نمایشنامه اثر ماکسیم گورکی را پس از سانسور اداره سانسور کتاب ساواک و گرفتن پروانه از اداره سانسور قاتر، بروی صحنه بیاورند. هنرپیشگان پس از انجام «تشریفات قانونی» بدترین پرداخته اند که ناگهان در یکی از شبها مأموران اداره مرکزی ساواک بمحل تمرین یورش می‌برند و بیش از ۵۰ تن هنرپیشه زن و مرد را که در آنجا حضور داشته اند بازداشت و مترجم نمایشنامه را نیز بدنبال آنان روانه زندان میکنند. مأموران شکنجه و

جنبش آذربایجان تهتیت گفتند. از آنجمله میتوان از سخنان ۱۹ دیماه ۱۳۲۴ دکتر مصدق در مجلس و از موضع گیری روزنامه «جبهه» ارگان حزب ایران یاد کرد که بصراحت حاکی از پشتیبانی از جنبش ۲۱ آذر بود. دولت ایران در قبال افکار عمومی مجبور شد جنبش را برسمیت بشناسد، خصالت دمکراتیک آنرا تأیید کند و اشاعه اصلاحات دمکراتیک را در ایران وعده دهد. ولی امپریالیسم و ارتجاع با استفاده از شرایط مساعدی که بدست آوردند با تمام قوا بر این جنبش ضربه خونی زدند و آنرا با هسلوت و بربریت و با از میان بردن هزاران تن از فرزندان قهرمان خلق سرکوب کردند.

در سالهای اخیر، در شرایط دشوار مبارزه علیه رژیم ترور و اختناق محمد رضا شاه و حامیان امپریالیستی اش، مابین حزب توده ایران و فرقه دمکرات آذربایجان ضمن یک «کنفرانس وحدت» امر وحدت رهبری و سازمانی حزب واحد طبقه کارگر در سراسر کشور تحقق یافت و حزب توده ایران حزب واحد طبقه کارگر در سراسر کشور اعلام گردید. حزب ما بر آن است که راه ملی شده از طرف حزب توده ایران و فرقه دمکرات آذربایجان یعنی انجام وحدت رهبری و سازمانی حزب واحد طبقه کارگر در سراسر کشور تنها راه صحیح و اصولی است. حزب توده ایران چنانکه در برنامه اش تصریح شده بر آنست که در کشور ما که در آن خلقهای گوناگونی زندگی میکنند، تنها قبول پیگیری حقوق ملی این خلقها و دفاع از آن و تلاش در راه تحقق این حقوق میتواند بهترین ضمانت وحدت و پیوستگی خلقهای کشور ما باشد. سیاست ستم ملی، انکار مطالبات خلقها، توهین به جنبشهای انقلابی آنان سیاستی است عمیقاً ارتجاعی و مسام با شکست روبرو خواهد شد. ارتجاع ایران و برآش آن شاه سرکوب خونی جنبش دمکراتیک آذربایجان و کردستان را همه ساله با جشن و پایکوبی برگزار میکنند. مردم ایران نفرت خود را از این «جشن» که جشن خونریزی و از میان بردن نهال آزادی و ترقی است ابراز میدارند و علیه آن مبارزه میکنند.

بناسبت سی امین سالگرد جنبش ۲۱ آذر، ما بهمه مردم ایران بویژه خلق آذربایجان ایران، به رفقای عزیز فرقه دمکرات آذربایجان و به خانواده شهیدان جنبش دمکراتیک آذربایجان درود های شور انگیز و پیکار جوانه و برادرانه میفرستیم و کامیابیهای بیشتر آنانرا در نبرد علیه امپریالیسم آرومندیم. همه خلقهای ایران باید به گرد درفش سرفراز برنامه حزب توده ایران که برنامه تحول بنیادی جامعه ماست حلقه زنند و مبارزه متحد خود را برای اجراء شعار عمده حزب ما در شرایط کنونی یعنی سرنگون کردن حکومت مطلقه محمد رضا شاه و رژیم ترور و اختناق آفریده آن که شرط مقدم هرگونه تحولی است گسترش دهند. تنها نبرد هماهنگ خلقها علیه دشمنان مشترک یعنی امپریالیسم و ارتجاع ضامن پیروزی است. با الهام از نبرد قهرمانانه مردم آذربایجان و فدائیان و شهیدان فراوان این نهضت و نیز قهرمانان جنبش انقلابی سراسر ایران که سنت والا و نشان فراموش نشدنی است، پیش بسوی ایرانی آزاد و مستقل!

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

«جشن بزرگ» بسوی خیانت

جشن در سیاست رهبری پکن از مواضع چپ گرایی افراطی به مواضع هم پیوندی و اتحاد با نیرو های ارتجاع سیاه و فاشیستی روز بروز آشکارتر میشود. امروز رژیم مائوئست دوق به تکیه گاه خونتای فاشیستی و دستیار و متحد نیرو های ارتجاعی و فاشیستی در مناطق مختلف جهان تبدیل شده است.

روزنامه «پروپوسی توش» چاپ آروانتین می‌نویسد: «رهبری مائوئیستی چین در شرایطی روابط سیاسی و اقتصادی خود را با رژیم فاشیستی پیوسته گسترش میدهد که این رژیم در سراسر جهان منفرد میشود. عین این مطلب را روزنامه انگلیسی «ایزور» تکرار میکند. تصادفی نیست که نماینده پکن در سازمان ملل متحد به قطعنامه مجمع عمومی این سازمان که رژیم خونتای فاشیستی شیلی را محکوم سکود رأی نداد. و همچنین چین در کنفرانس جهانی همبستگی با خلق شیلی که در آن تشکیل شد شرکت نمود. مقاله باخونتای فاشیست شیلی تنها شیرینکاری مائوئیست ها نیست. طبق اطلاع خبرگزاری «سینخوا» صدر کمیته دائمی مجلس نمایندگان خلقی سراسر چین بناسبت مرگ فرانکو دیکتاتور فاشیست اسپانیا تلگراف تسلیت برای شورای سلطنت اسپانیا ارسال داشت. طبق خبر خبرگزاری فرانس پرس نخست وزیر چین چون لای و ضرر کمیته دائمی مجلس نمایندگان چیده دسته گلهائی به سفارت اسپانیا در پکن فرستادند و معاون وزیر امور خارجه برای ابراز مراتب تسلیت دولت چین بناسبت درگذشت فرانکو در سفارت اسپانیا در پکن حضور یافت.

حزب کمونیست فرانسه که همواره یکی از آماج های حملات و اتهامات بشمرانه رهبری مائوئیستی پکن بوده به تصمیم دولت فرانسه در مورد نیمه افراشته کردن پرچم ملی فرانسه به نشانه سوگواری در مرگ فرانکو اعتراض نمود. در اعلامیه حزب کمونیست فرانسه گفته میشود: «دین تصمیم بمنزله اهانت بخلق اسپانیا و خرابکاری در مناسبت آینده فرانسه با اسپانیای دمکراتیک است و همچنین نسبت به زحمتکشان و

دنباله در صفحه ۲

رژیم شاه در سوک

رژیم فاشیستی فرانکو

از ۲۹ آبان تا اول آذر - بمدت سه روز درفش شاهنشاهی، و پرچمهای دولتی نیمه افراشته بود. این پرچمها طبق فرمان دربار و بمناسبت مرگ فرانکو پائین آورده شده بود. دربار تهران و شخص شاه مرگ فرانسیسکو فرانکو را «ضایعه ای تأسف انگیز» در سلج دولتی تلقی نموده و گذشته از اعلام عزای رسمی، به اعزام هیئت عالیرتبه دولتی به اسپانیا اقدام نمودند. براساسی چرا دربار تهران و شخص شاه اینچنین خود را در مرگ فرانکو سوگووار یافتنند؟ چرا در مرگ یک کودتاکر فاشیست، کسی که چهل سال تمام مانند بختک بر روی اسپانیا افتاد و ملت مبارز و ترقی خواهی را اسیر رژیم بیدادگر فاشیستی ساخت، دربار ایران بغزا نشسته است؟ محققاً ریشه این سوک را در خوشحالی رژیمهای فرانکو و شاه و تا حدود زیادی همبستگی آنها یکدیگر میتوان یافت.

فرانکو در اسپانیا با کودتائی که از جانب آلمان و ایتالیای فاشیستی و محافل مترجم امپریالیستی تقویت میشد روی کار آمد. هدف این کودتای سرکوب جمهوری جوانی بود که ارزنده ترین نیرو های انقلابی مردم اسپانیا، متشکله در «جبهه خلق» (که در انتخا بات فوریه ۱۹۳۶ پیروز شده بودند) در رأس آن قرار گرفته بودند. این جبهه پیروزی آزادی و دمکراسی واقعی در اسپانیا و جلوگیری از جنگ جهانی را به لیستی جهانی را به ملل اروپای غربی و همه جهاننایان توید میداد.

چنانکه میدانیم شاه در کشور ما ایران نیز با کودتائی که حامیان آن امپریالیستهای آمریکا وانگلیس بودند مجدداً به تخت سلطنت باز گشت. هدف این کودتا سرکوب جنبش ملی کردن نفت و حکومت قانونی مصدق و جلوگیری از اعتلا آتی مبارزات ملی و دمکراتیک بود که آینده سعادت بخشی را به مردم ایران نوید میداد.

دنباله در صفحه ۲

هم مینان عزیز! آذر ماه امسال سی سال از پیروزی جنبش خلقی بان ایران بیهیرو فرقه دمکرات آذربایجان است. این جنبش در سراسر میهن ما بویژه در آذر دارای ریشه های تاریخی فراوان است و خصالت نیک و مند امپریالیستی داشته و در دوران پس از نوم جهانی و پیروزی بر فاشیسم و در شرایط ناسب نیروها بسود صلح، دمکراسی و سوسیالیسم در شرایط اعتلاء جنبشهای انقلابی و رهائی بخش گردیده و به استقرار حکومت ملی آذربایجان ده است. این نهضت ایجاد تکیه گاه عظیمی ط دمکراسی در ایران و اجراء اصلاحات بنیادی نیک در آذربایجان را هدف خویش ساخت و استقلال و تمامیت ارضی ایران را در سرلوحه خود قرار داد. وسیع ترین قشر های طبقات ش جامعه در این جنبش شرکت جستند و آنرا ویت قرار دادند.

با آنکه نهضت دمکراتیک آذربایجان و دولت آن بیش از یکسال فرصت عمل نیافت، اقدامات و دستاوردهایش در تمام زمینه های اجتماعی افتخار آمیز است: جنبش ۲۱ آذر دستگاه کهنه دولتی را شکست، ی سلاح خلقی ایجاد کرد، انجمنهای ده و شهر متان بوجود آورد. اتحادیه های صنفی را تشکیل برادر حقوقی زنان را با مردان تأمین و برای از بوزان در انتخابات حق شرکت داد. مؤسسات زیادی دائر ساخت و شبکه بازرگانی دولتی ود. قانون مترقی کار و بیمه اجتماعی را تصویب کرد، اصلاحات مترقی انجام داد، یعنی املاک ا و ملاکات وابسته به امپریالیسم و ارتجاع و به نهضت مصادره گردید و بین یک میلیون دهقان زمین برای کسان تقسیم شد، مناسبات غیر بین عشایر الغاء گردید، زبان آذربایجانی زبان اعلام شد و دانشگاه تبریز تشکیل گردید و تبریز هائز شد و ارکستر ملی و فیلارمونی بآنت بوجود آمد، اقدامات وسیعی در زمینه ت انجام گرفت و از آنجمله استعمال تریاک ممنوع ت یک صفحه درخشان تر تاریخ جنبشهای مردم است.

روشن است که ارتجاع ایران و بر رأس آن امپریالیست های امریکا و انگلیس نمیتوانستند تحول مثبت و انقلابی را در آذربایجان و نظیر ع تحولات را در کردستان تحمل کنند. زیرا هضت متزلزل ساختن پایه های تسلط اسارت آور و امپریالیسم و بسط دمکراسی در سراسر ایران و تقویتای چشمگیر جنبش ۲۱ آذر و حکومت آذربایجان بر قدرت جنبش دمکراتیک و ملی در کشور افزوده، آنرا تقویت کرده، وارد دوران ساخته بود.

نیرو های مترقی آروز کشور بویژه خود به

خلق لائوس رژیم سلطنت را به زباله دان تاریخ سپرد

روند انقلابی در جهان معاصر پیروزمندانه به پیش می‌رود. جنبش‌های رهایی بخش ملی خلقها در مناطق مختلف جهان با احرار کامیابیهایی نوین تاریخی رژیمهای دست نشانده ارتجاعی و سلطنت را که چون مانعی فراراه سیر تکامل جامعه انسانی قرار گرفته اند از پیش پای خود برمی‌دارند و تاج و تخت شاهان را به زباله دان تاریخ می‌سپارند.

مبارزات قهرمانانه خلق لائوس علیه مداخله گران امپریالیستی و نیروهای ارتجاع داخلی با کسب پیروزی تاریخی با انجام رسید.

اول دسامبر ۱۹۷۵ کشوره ملی نمایندگان خلق لائوس با تکیه بر مرکزی جنبه میهن پرستان لائوس تشکیل شد. در این کشور کنگره بافاتی آراء رژیم سلطنت در این کشور لغو گردید و لائوس جمهوری توده‌ای دمکراتیک اعلام شد. پادشاه لائوس از سلطنت خلع گردید و سومانوونگ صدر کمیته مرکزی جنبه میهن پرستان لائوس به ریاست جمهوری برگزیده شد.

پیروزی خلق لائوس که ادامه پیروزی تاریخی خلق ویتنام بر امپریالیسم آمریکا و رژیم دست نشانده و ارتجاعی ویتنام جنوبی است در تاریخ مبارزات قهرمانانه خلقهای هندوچین و جنبش‌های رهایی بخش ملی خلقها رویداد برجسته است. این پیروزی نمودار دیگری از ادامه تغییر تناسب نیروها در عرصه جهانی بنفع صلح و دمکراسی و سوسیالیسم و بزبان ارتجاع و امپریالیسم جهانی است. پیروزی خلق لائوس از نتایج وحدت و بهم پیوستگی سه نیروی عمده انقلابی جهان - کشور های سوسیالیستی، جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و جنبشهای رهایی بخش ملی است. نخست وزیر دولت جدید لائوس در کنگره ملی نمایندگان خلق لائوس در ایستاد خاطر نشان نمود: «پیروزی تاریخی ما به برکت پشتیبانی و یاری اتحاد شوروی، کشور های سوسیالیستی و همه نیرو های ترقیخواه جهان امکان پذیر گردید». پیروزی پی در پی جنبشهای رهایی بخش ملی خلقها که طومار زندگی شاهان و رژیمهای ارتجاعی دیگر را در کشورهای مختلف جهان در هم می‌نوردد، زهرخند تاریخ به رژیم دیکتاتوری و ضد ملی محمد رضا شاه و تلاشهای جنوب آمیز او برای دوام عمر سلطنت استبدادی است. محمد رضا شاه تلاش دارد به کمک سازمان جهمی امنیت با شکنجه و اعدام میهن پرستان و به بند کشیدن نیرو های ترقیخواه و بازگذاشتن دست انحصارات امپریالیستی در غارت ثروتهای ملی کشور ما به سلطه فزونی خود بر میهن ما دوام بخشد. اما همه این تلاشهای پیورده است. رژیم های سلطنت بحکم تاریخ محکوم بزلزله و هیچ نیرویی در مقابل جنبش پیروزمند انقلابی خلقها و سیر تکامل ناگزیر تاریخ قادر به رهایی این رژیمها ازین سرنوشت نیست. وحدت همه نیرو های میهن پرست و ترقیخواه کشور ما در مبارزه در راه سرنگونی رژیم دیکتاتوری، تحقق یافتن این حکم تاریخ را تسریع میکند.

«جهش بزرگ» بسوی خیانت

محافل دمکراتیک فرانسه که سالیان دراز است با نیرو های دمکراتیک اسپانیا همبستگی دارند اهانت آمیز است.

نمایندگان حزب لیبرال انگلستان به نشانه اعتراض علیه تصمیم دولت مبنی بر اعزام عضو کابینه انگلستان برای شرکت در مراسم دفن فرانکو، جلسه پارلمان را ترک کردند. دبیر کل حزب لیبرالست، دونالد هیورده یادآور شد حزب لیبرالست همین ماه گذشته در کفرانس سالانه خود با تفاق آراء قطعنامه‌ای تصویب نمود که در آن سیاست پیگرد و ترور رژیم فرانکو علیه نیرو های دمکراتیک اسپانیا را محکوم کرده است.

رهبری مائوئیستی یکن تخریب در جنبش های رهایی بخش ملی و سیزه جوئی با کشور های سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی را پشتوانه هم پیوندی خود با سیاه ترین نیرو های ارتجاع و امپریالیسم جهانی قرار داده است.

آنگولا، يك کشور مستقل دیگر

ساعت ۲۴ روز ۱۱ نوامبر ۱۹۷۵ ملی مراسم پرشکوهی با حضور دهها هزار مردم آنگولا، پرچم پرتغال که در حدود ۵ قرن در این مستعمره در اهتزاز بود، پائین آمد و پرچم سرخ و سیاه ملی زیر پر تو نورافکن ها برافراشته شد. در این نیمه شب یالیزی «جمهوری توده ای آنگولا،» چهار و هفتمین کشور مستقل افریقائی زیر رهبری «جنبش توده ای رهایی آنگولا» با بهره وجود گذاشت.

آگوستو نتو، رهبر «جنبش توده ای رهایی آنگولا» و نخستین رئیس جمهور این کشور در نظمی که در همان شب ایراد کرد، خطوط کلی برنامه دولت خود را چنین اعلام نمود: ملی کردن تمام منابع طبیعی کشور، تأمین رشد طبق برنامه اقتصاد، احداث صنایع بر پایه مواد خام موجود در کشور، ایجاد تعاونی های تولیدی و مزارع دولتی در روستا، ایجاد ارتش منظم، مبارزه قاطع علیه تجزیه طلبیان و تأمین تعلیمات ارضی کشور، مبارزه علیه امپریالیسم، همبستگی کامل با تمام خلقهای ستمکش، ایجاد مناسبات دوستانه با تمام کشورها بر پایه احترام متقابل به حق حاکمیت و تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور داخلی، حقوق برابر و همبستگی سلامت آمیز.

پیروزی خلق آنگولا آسان بدست نیامد. پیش از آنکه رژیم جدید پرتغال در اوت ۱۹۷۴ آمادگی خود را برای دست کشیدن از مستعمرات افریقائی خود اعلام کند، از نیمه شب ۴ فوریه سال ۱۹۶۱، مردم این کشور برهبری «جنبش توده ای رهایی آنگولا» بمبارزه مسلحانه دست برده و ملی نبرد های خونین با ارتش ۵۰ هزار نفری رژیمهای فاشیستی پرتغال یکسوم سرزمین خود را آزاد کرده بودند.

با اعلام استقلال آنگولا، مبارزه این خلق بایان نگرته است. ارتجاع داخلی که در سازمان های داف، ان. ال. آ. و «وونتا» متحد شده است، همراه با گروههای فاشیستی از ارتش مستعمراتی سابق پرتغال بنام «ارتش نجات پرتغال» علیه حکومت مرکزی به جنگ داخلی پرداخته اند. «هولند» روبرتو، رهبر داف، ان. ال. آ. عامل قدیمی سیاست شکنج باصطلاح جمهوری دیگری را بنام «جمهوری دمکراتیک آنگولا» اعلام کرده است. این سازمانهای تجزیه طلب از طرف کشورهای امپریالیستی و بهخصوص از طرف رژیم های نژاد پرست جمهوری افریقائی جنوبی و روتزیا، نیز کشور روبر پشتیبانی میشوند. این کشور ها سلاح های مدرن در اختیار این سازمانها قرار میدهند. افریقائی جنوبی حتی وارد خاک آنگولا شده و همراه با تجزیه طلبان علیه دولت مرکزی به جنگ پرداخته است. آنچه شایان توجه است، همکاری چین مائوئیستی با این کشورها علیه جمهوری نواخته آنگولا میباشد. چین مائوئیستی دوش بدوش رژیمهای نژاد پرست و امپریالیسم جهانی عمل میکند و تجزیه طلبان را با انواع سلاحها و کارشناسان نظامی تجهیز مینماید. حوادثی که اکنون در آنگولا میگردد، بار دیگر سیمای پلید رهبران چین را آشکار میسازد و همکاری نودیک و عملی آنان را با امپریالیسم و رژیمهای نژاد پرست و ارتجاعی ترین محافل علیه جنبشهای آزادی بخش و کشورهای نو استقلالی که علیه امپریالیسم به نبرد نابرابر پرداخته اند، نشان میدهد.

ولی جمهوری توده ای آنگولا با برخورداری از کمکهای مادی و معنوی نیرو های واقعا ضد امپریالیست و بوزره کشورهای سوسیالیستی به نبرد دشوار علیه امپریالیسم و ارتجاع ادامه میدهد و مردم آنگولا سلاح بدست سرود ملی خود دبه پیش ای توده ای، را همچنان با بانگ رسا میسرارند.

چندی پیش کیسینجر وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا از جمهوری توده ای چین بازدید بعمل آورد. خبر گزاریهایی امریکائی به استناد گفته های همراهان کیسینجر در ملاقات با مائو تسه دون خبر دادند که مائو تسه دون هنگام این ملاقات سیاست وخامت زدائی را مورد انتقاد قرار داده و ضمن حمله به اتحاد شوروی آنرا «دولت مجاوره» نامید. مائو اظهار داشت که کاهش تشنجات «برای ایالات متحده امریکا بی آمد های خوبی در بر نخواهد داشت».

رهبری یکن که در آغاز مواضع چپ گرایی افراطی خود را با الفاظ ریا کارانه در باره دفاع از

گسترش مناسبات با کشور های...

حتی وقتی بر اثر تغییر تناسب قوا در صحنه جهانی به سود نیرو های صلح و سوسیالیسم و فشار افکار عمومی مردم ایران و ورشکست سیاست عدم شناسائی جمهوری دمکراتیک آلمان، مجبور شد جمهوری دمکراتیک آلمان را برسمیت یشاند. باز هم چند سالی از گسترش مناسبات بین دو کشور طفره رفت و امکانات عظیم و شرایط مناسبی را که کشور سوسیالیستی شکوفائی چون جمهوری دمکراتیک آلمان میتواند به تکامل سالم اقتصادی ایران عرضه کند، علا بی استفاده گذارد.

آذوقه گسترش مناسبات بین دو کشور، بوزره در زمینه اقتصادی، بازرگانی و قنی - که در نتیجه سفر رفیق زیندرومن به ایران باز شده است - حائز اهمیت ویژه ای است و از پیروزی دیگری در سیاست صلح و همبستگی مسالمت آمیز کشورهای سوسیالیستی، از جمله جمهوری دمکراتیک آلمان، در مناسبات بین دولتها با نظامهای گوناگون اجتماعی و سیاسی حکایت میکند. اظهار نظر در باره برخی از مهمترین مسائل بین المللی در اعلامیه مشترک، از جمله در باره خلع سلاح عمومی، کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا، بحران خاور میانه و امنیت جمعی در آسیا، که همه بسود مواضع اصولی درست، صلحجویانه و عادلانه جمهوری دمکراتیک آلمان است، نشان میدهد که محیط بین المللی و تغییر تناسب قوا بسود نیرو های صلح و سوسیالیسم و فشار افکار عمومی مردم ایران چنانست که دولت ایران مجبور است به سندی صحنه گذارد که در واقع رد سیاست ارتجاعی، تجاوز کارانه و توسعه طلبانه آن در عمل است.

مردم ایران که هر روز نتایج فلاکت بار پیوند یکجانبه و درست اقتصاد ایران را به اقتصاد امپریالیستی و عواقب شوم تبدیل سیاست خارجی ایران را به زانده سیاست جنگ سرد مرتجعترین محافل امپریالیستی چشم می‌بینند، مردم ایران که به تجربه دریافته‌اند که گسترش مناسبات با کشورهای سوسیالیستی پادزهری است بر ضد این سیاست ارتجاعی و ضد ملی و کمکی است به مبارزه آنها در راه صلح، استقلال ملی و دمکراسی، گسترش مناسبات ایران با جمهوری دمکراتیک آلمان را باخترسندی تلقی میکنند، زیرا آفرانسانه ای از شکست و ورشکست سیاستی می‌بینند که میکوشد اقتصاد ایران را یکجانبه و درست به اقتصاد امپریالیستی پیوند دهد و سیاست خارجی ایران را به زانده سیاست جنگ سرد مرتجع ترین محافل امپریالیستی مبدل سازد. زیرا گسترش مناسبات با کشورهای سوسیالیستی، از جمله با جمهوری دمکراتیک آلمان انکسائی است از تحقق خواست آنها، مردم ایران و حزب توده ایران بنیادنگی از جانب مردم ایران وفادار به سنت شایسته و سیاست اصولی و درست خود، برای گسترش روز افزون مناسبات ایران با کشورهای سوسیالیستی، مبارزه خود را با سیاست ارتجاعی و ضد ملی را که گذاشتن و یا ترمز کردن این مناسبات و به خاطر استفاده از امکانات عظیم و شرایط مناسبی که مناسبات ایران با کشور های سوسیالیستی برای استقلال سیاسی و اقتصادی و رفاه مردم ایران در بر دارد، ادامه خواهند داد و تشدید خواهند کرد.

منافع خلقهای ستمدیده و جنبش انقلاب جهانی توجیه میکرد و شعار جبهه پندی در مقابل «دو ابر قدرت» را تبلیغ مینمود. امروز آتش حملات و اتهامات خویش را بر روی کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی متمرکز ساخته است.

نقشی که اتحاد شوروی در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری ایفا میکند انکار ناپذیر است و درست به همین علت است که امپریالیستها تبلیغات زهر آگین خود را قبل از همه علیه اتحاد شوروی موجه میسازند.

تشدید جنبه های ضد کمونیستی در سیاست یکن و پیشروی آن در راه هم پیوندی سیاسی و نظامی و اقتصادی با نیرو های ارتجاعی و فاشیستی همچنین نموداری از شکست رهبری مائوئیستی در سیاست داخلی کشور است.

برخلاف تبلیغات چپالایی یکن در باره «پیروزی عظیم» در «انقلاب فرهنگی» و استفاده از جریانات لین پیانو و تأمین «وحدت کبیره» اوضاع داخلی چین

رژیم شاه در سوک

فرانکو در مدت چهل سال حکومت کودتائی خود را بر ترور بیرحمانه فاشیستی، تبعید های دسته جمعی و کشتار های گروهی هان و زمخشان اسپانیا در داخل و همکاری از سیاه ترین نیرو های فاشیستی و امپریالیستی استوار ساخته بود. در مدت بیش از بیست سال از کودتای ننگین ۲۸ مرداد میگردد، شا قدم بقدم پا در جای پای فرانکو نهاده و هم او را در اداره مملکت بکار میبرد، بلکه از آن به تسلط بیرحمانه ترین دستگاه پلیسی - ساو فرانکو بمراتب جلو افتاده است.

فرانکو با حکومت فاشیستی، چهل و را به اسپانیا تحویل کرد و آن کشور را از ه با تحولات مترقی زمان باز داشت. فرانکو، به درجا زدن در عقب ماندگی اقتصادی - ناگزیر ساخت. کشوری که از سرواقتس با را در دامان خود پرورانده بود در رژیم فاشیستی به زندان مردم زخمکش و افراد آزاد فکر تیا حکومت فاشیستی فرانکو با محروم داشتن آزادی و دمکراسی لطامات جبران ناپذیر به همه زندگی مادی و معنوی مردم اسپانیا وارد ساخت و وطن ما ایران نیز دارای سنت های نوع و انسان پروری است. لیکن رژیم پلیسی شاه ما را به مرتبه ای تنزل داده که رتاله ها و سیا مأموران جنایتکار ساواک بر جان و مال و ناموس مسلمانند. اکنون دیگر ساراپهای شاه در خارج ا در رفتار با سلاجهای امریکائی مردمی را از پا دره که برای آزادی، استقلال و شرف انسانی میزد رژیم هار پلیسی شاه در همه زمینه ها قصد دار رژیم فاشیستی فرانکو را سفید کند.

سوک دربار پهلوی در مرگ «ژنرال» ف. دلائل آشکار دارد. این سوک از سرشت یک رژیم ارتجاعی و ستمگر ناشی میشود. با مرگ فرانکسیم وارد آغاز پالیات خود شده است. رژیم دیکتاتوری پلیسی شاه را مبارزه قاطع و همه نیرو های شیفته آزادی باید طرد و سرنگون ک. جهان ۴.

موج جدید ترور و اختناق

کشیده میشوند و پاداش هنر خود را با زجر و شکنجهای سنگین از رژیم فاشیستی ایران میگیرند. از یکطرف هویدا برای اجرای برنامه های بلندپرو شاه که بر اساس هم پیوندی هرچه بیشتر اقتصاد با اقتصاد کشورهای امپریالیستی ریخته شده، با های گراف پزشکی و کاور های قنی و علمی وارد و از طرف دیگر دانشجویان دانشگاههای ایران سرمایه معنوی کشور هستند روانه زندانها و شکنجه میمانند. حتی آنها را که با اتهام داشتن هلی سنگین گذشته و پس از سالها از بیغول و زندانها آزاد شده اند، بعنوان «مهمان» برای شش و کیسی نمیدانند چند ماه، از خانه و خانواده و میریزند و هرگونه آزادی را از آنها سلب میکنند مجموعه این حوادث یکبار دیگر مردم ایران ر نتیجه میرساند که تا رشته بدست این رژیم است زندان ایرانیان و گورستان هنر و هنرمندان و دانشمندان است. تنها راه رهایی از این وضع سرنگون کردن فاشیستی محمد رضا شاهی است که با جنگلهای خود گوی خلقهای ایران را میفشارد و بشادمانی های خود هر چند یکبار جشن و جشنواره راه میانیان

دچار ناپسانامی است. سیاست رهبری مائوئیستی داخل کشور با مشکلات روز افزونی روبرو می. آن کلیات انتزاعی که از مفر مائو تراوش کردند واقعیت های زندگی بدور است و قاطره به چاره اندازی برای مشکلات حاد اقتصادی و اجتماعی کشور در «رهنمود هاء» و «دانشه های» مائو تسه دون در واقعیت زندگی مردم چین و مقتضیات عینی ر تکامل اقتصادی و اجتماعی جمهوری توده ای چین تضاد کامل قرار میگیرند و هر روز توده های تری از مردم چین این مطلب را در می یابند. ح. پژواک